

جستاری بر شناخت ویژگی های ساختار کالبدی - فضایی بافت و معماری مساکن روستایی (مورد پژوهی؛ روستای پاقلعه - شهرستان رامیان)

حمیدرضا رزمی^۱، ثریا فیروزی جهانتیغ^۲

^۱ گروه معماری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

^۲ دانش آموخته دکتری، شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

حمیدرضا رزمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵

چکیده

معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی گاه ارتباطات و کارکرد ها و نقش چند عملکردی فضاها است. طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسب، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی همه و همه از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که بصورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است. روستای پاقلعه نیز از این قاعده مستثنی نیست و کلیت آن متشکل از مجموعه اجزایی است که با رابطه ای منطقی بین مجموعه فعالیت ها، رفتارها و کالبد روستا به گونه ای انسجام یافته ادراک می شوند. هدف از انجام پژوهش حاضر، شناخت ویژگی ها و اصول شکل گیری و عناصر مختلف فضایی - کالبدی شکل دهنده گونه مسکن روستایی در روستای پاقلعه شهرستان رامیان و استخراج عناصر کارآمد آن است تا علاوه بر دریافت صحیح مفاهیم و اصول سازمان یافته مسکن در منطقه مورد مطالعه، بتواند بخشی از ویژگی های این عناصر و دلایل وجودی آنها را ثبت کند. پژوهش حاضر به لحاظ متدولوژی از نوع تحقیق توصیفی تحلیلی بوده و از نوع مطالعات میدانی تطبیقی است گردآوری داده ها به دو روش کتابخانه ای و پیمایشی صورت گرفته که به این ترتیب پاره ای از اطلاعات لازم نخست به صورت اسناد مکتوب گردآوری شد و سپس طی پیمایش میدانی به روستای پاقلعه نمونه های فراوانی گردآوری شد که شماری از آنها پس از نخستین بررسی های توصیفی طبقه بندی شدند. نتایج کلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که مهمترین ویژگی ساختاری و تیپولوژی معماری بومی این روستا هماهنگی بافت و شکل گیری آن بر اساس زمین ساماندهی فضاها و گوناگون مسکن روستایی با توجه به معیشت خانواده عوامل اقلیمی و وضعیت اجتماعی فرهنگی مردم می باشد. که بدون توجه به هر یک از موارد فوق شکل گیری بافت و معماری روستا امکان پذیر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: روستا، مسکن روستایی، معماری روستایی، بافت روستایی، روستای پاقلعه.

مقدمه

روستا پدیده‌ای است متعلق به یک مکان خاص، نباید تصور کرد روستا صرفاً یک اسم است. روستا چهره زندگی اجتماعی و مامن نخستین تجربه یکجانشینی در تاریخ حیات بشری و مجموعه‌ای از ساخته‌ها، رفتارها و باورهای انسانی است که آن را پدیده‌ای منحصر به فرد معرفی می‌کند از شاخصه‌های بومی و جغرافیایی روستای اصیل پیش از آن که یک زیستگاه انسانی باشد، محل تبلور عقاید دینی و فرهنگ مردمان آن، مظهر روابط انسان با طبیعت است [1]. مسکن، پس از غذا و لباس از ضروری‌ترین نیازهای زندگی است، همواره در طول تاریخ حیات اجتماعی انسان سهم اساسی داشته و بشر برای ساختن و پرداختن خانه، دائم تلاش کرده، جنگیده، ابداع نموده و دفاع کرده تا آن را با شرایط اقلیمی و جغرافیایی و اجتماعی خود متناسب سازند. مسکن روستایی هویت بخش کالبد روستا و تبیین کننده بسیاری از ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و معماری آن است. معماری باستانی از یک اندیشه ذهنی است که محتوای فرهنگی و سیستم ارزشی حاکم بر جامعه، در آن نمایان است [2]. معماری بومی حاصل تجربه و خرد جمعی است که در طول زمان استمرار یافته و طی نسل‌های متمادی منتقل گشته است. انسان روستایی معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند. مسکن روستایی دارای مفهومی فراتر از سرپناه و سکونتگاه بوده، نشان دهنده فضایی است که در آن زندگی حاکم است. مروری اجمالی بر مسکن روستایی به عنوان بستر اولیه شکل‌گیری معماری بومی هر منطقه مبین آن است که مسکن روستایی به مثابه هسته مرکزی و عرصه فعالیت زندگی روزمره روستایی تجسم کالبدی از تداخل کار، معیشت و سکونت است و معماری هر منطقه با الگوهای خاص خود از دیگر مناطق متمایز می‌شود [3]. فضا یا چشم انداز روستایی که نتیجه و سبب فعالیت‌های خاص انسان در مکان معین است، این فضا نمایان گر نحوه استقرار خانه‌ها، شیوه بهره‌برداری از منابع، روابط مالکیت، حتی چگونگی استقرار و جایگاه هر خانواده روستایی در کل مجموعه یا اجتماع روستایی بشمار می‌آید. محیط و طبیعت اطراف هر مسکن، انتخاب کننده نوع معماری و مصالح آن مکان خواهد بود، که بشر برای مقابله با خطرات و عوامل طبیعی با به کارگیری هوش و ذکاوت خود از طبیعت بهره برده است. معماری روستا با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. معماری خانه روستایی، ساده و بسیار آرام است؛ اما پیچیدگی معماری روستایی متظاهر نیست، بلکه آنچه که تظاهر می‌کند، سادگی و آرامش است. سادگی معماری روستای، بصری است؛ اما پیچیدگی آن بصیرتی است. معماری روستایی حاصل تعامل انسان و محیط و نیز منطبق با نیازهای زیستی و شیوه معیشتی ساکنان روستا می‌باشد که با تکیه بردانش بومی، فرهنگ حاکم بر جامعه روستایی و مقتضیات طبیعی شکل گرفته است [4]. مسکن روستایی به عنوان مهمترین عنصر کالبدی روستا مجموعه‌ای همگن و متناسب را تشکیل می‌دهد و جزیی از هویت کلی روستا محسوب می‌شود. فرم و کالبد خانه‌های روستایی تجلی عوامل محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری آنها است. مجموعه این عوامل، موجب تمایز خانه‌های روستایی نسبت به مناطق شهری شده است [1]. از اینرو تخریب ساختمان‌های بومی روستایی در بازسازی و نوسازی‌های اخیر، در کنار اهمیت شناخت ارزش‌های پایدار این بناها و به کارگیری آن در ساخت و سازهای جدید، نیاز به مستند سازی بناهای بومی را افزایش داده است. مستند سازی این بناها نیازمند شناخت الگوهای بومی و اصیل است که می‌توان آن را به عنوان گونه مسکن تعبیر نمود. روستای پاقلعه - شهرستان رامیان، یک منطقه کمتر شناخته شده است و از طرفی واجد مسکن اصیلی است که به دلایلی در حال نابودی است. این پژوهش سعی دارد اوضاع معماری روستایی روستای پاقلعه - شهرستان رامیان را بررسی نماید. و مشخص نماید چه عواملی در ساخت، ترکیب و نوع معماری مسکن روستا تاثیر گذار بوده است. بر این اساس و در همین راستا سؤالات متعددی قابل طرح می‌باشند که در تحقیق حاضر تعداد سه سوال مطرح شده است که به شرح زیر بیان می‌گردند:

- چه عواملی در شکل‌گیری مسکن روستای پاقلعه موثرند؟

- مشخصه‌های کالبدی عملکردی در الگوهای شاخص مسکن روستای پاقلعه چگونه اند؟

- چگونه می‌توان از الگوهای سنتی و اصیل روستای پاقلعه برای استخراج الگوی مسکن روستایی معاصر استفاده کرد؟

روش تحقیق

بدیهی است هر پژوهش علمی نیازمند یک تحقیق متناسب با موضوع خود می‌باشد. روش مواجهه با مسأله و پژوهش در ارتباط تنگاتنگ و دوسویه با ساختار و ماهیت تحقیق است. با توجه باینکه مطالعات چندانی در مورد این روستا انجام نشده و تنها مطالعات انجام شده محدود به طرح هادی روستای پاقلعه است به منظور پیشبرد و رسیدن به اهداف مورد نظر روش تحقیق اکتشافی بکارگرفته شده است. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است که بر پایه منابع و اسناد و شواهد تاریخی، روش‌های ساخت، ابزار و ساختارهای معماری روستایی مورد بررسی قرارگیرد تا در این رهگذر بخشی از ارزش‌های مجموعه مذکور روشن شود. در همین راستا روش تحقیق در این پژوهش مطالعه توصیفی، تحلیلی می‌باشد که با واکاوی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و نیز در نظر گرفتن شرایط خاص اقلیم منطقه، به منظور ارائه راهکارهایی در جهت استفاده بهینه از تکنیک‌های مورد استفاده در ساختارهای بومی بافت مورد بررسی، نتایج استخراج شده و نهایتاً در پایان به ارائه شاخصه‌های معماری بومی در بافت و کالبد‌های معماری روستای پاقلعه پرداخته شده است، جمع‌بندی و نتیجه آن به صورت مقاله پیش روی ارائه گردیده است.

ضرورت تحقیق

مسکن روستایی نتیجه سال‌ها زحمت، تفکر و تجربه است. مطالعه بر روی معماری این مسکن می‌تواند به طراحی‌های فضاهایی مناسب با شرایط مناطق مختلف کمک کند. پرداختن به موضوع شناخت معماری روستاهای شهرستان رامیان به چند دلیل عمده مورد توجه می‌باشد. اولاً، روند سریع و بی‌امان تحولات اقتصادی و صنعتی معاصر، چهره اصیل روستاهای این منطقه را نیز بی‌بهره نگذاشته و تعداد روستاهایی که هنوز بافت و کالبد ویژه خود را حفظ نموده‌اند هر روز کمتر می‌شود و بیم آن می‌رود که در سال‌های آتی هیچ منبع مکتوبی از معماری روستاهای منطقه نداشته باشیم. ثانیاً، چنین مطالعاتی می‌تواند سبب بازشناخت الگوی خاصی از مسکن روستایی متناسب با شرایط طبیعی (اقلیم، ساختار زمین و...)، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی گردد و بر نقش معماری در توسعه پایدار محلی تأکید نماید. «در سال‌های اخیر اهمیت موضوع توسعه پایدار و نقش معماری بومی در حفظ منابع محیطی و آموزه‌های نهفته در آن، اندیشمندان را به تفکر و تحقیق واداشته است». ثالثاً، رویکرد کلی سیاست‌های دولت مبنی بر لزوم بازآفرینی و اصلاح کیفی زندگی روستاییان توأم با شناخت نیازهای زیستی آنها، تدوین روش‌های صحیح توسعه و عمران روستایی خاص هر منطقه را ایجاب می‌کند.

اهداف تحقیق

بازخوانی عوامل موثر در فرم مسکن روستایی، شناسایی گونه‌های قابل تشخیص خانه روستایی و بیان عوامل موثر بر این تمایزات، کمک به افزایش سطح دانش و آگاهی روستاییان در رابطه با اهمیت تداوم کیفیات زیست بومی از جمله اهداف کاربردی تحقیق به شمار می‌رود.

مروری بر ادبیات پژوهش

شناخت پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص هر عنوان پژوهشی و ارزیابی آنها در سطوح مختلف و با معیارهای متنوع از ضروریات هر پژوهش علمی می‌باشند، در پژوهش حاضر به نتایج مطالعات انجام شده در خصوص نقش عوامل ساختاری معماری مسکن روستایی در روستای پاقلعه شهرستان رامیان پرداخته می‌شود. به طور کلی می‌توان ادعان داشت در این خصوص مطالعاتی انجام شده است، که این مطالعات در ذیل نمایان است؛

جدول شماره (۱): پیشینه پژوهش. مأخذ: (نگارنده).

پژوهشگر / سال	عنوان پژوهش	نتایج
Sendich, 2006	برنامه ریزی و استانداردهای شهری در نیوجرسی.	عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش های سبک شناختی، آب و هوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان های مختلف تأثیرگذار است.
Anabestani, 2019	اثربخشی الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستاییان شهرستان نکا.	در توزیع فضایی و الگوی مسکن منطقه مورد مطالعه رابطه متقابل بین عوامل فرهنگی و اجتماعی وجود دارد.
Ghorbani et al. 2016	بررسی نقش عوامل اقلیمی در شکل گیری بافت و مسکن روستایی در اقلیم معتدل و مرطوب (نمونه موردی روستای دیوا بابل).	واحدهای مسکونی بافت قدیم این روستا متناسب با شرایط اقلیمی و با تأثیرپذیری از این عوامل شکل گرفته اند، اما در ساخت و ساز واحدهای مسکونی جدید، توجهی به این عوامل نشده است.
Westaway, 2016	شناخت رضایت از کیفیت شخصی در محیط های مسکونی غیر رسمی در آفریقای جنوبی.	مهم ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی حاکم بر آن می باشد.
Smith et al, 2017	مسکن در شهرهای پیش مدرن: الگوهای اجتماعی و مکانی تنوع.	در این پژوهش محقق به تجزیه و تحلیل مقایسه ای از فرم های مسکن شهری پیش مدرن و به ارائه شناختی در مورد انواع مسکن و خانواده که عبارتند از: خانه های فردی، خانه های گروهی، خانه های به هم پیوسته، حیاط دیواردار و خانه های آپارتمانی می پردازد.
Buzrajmohri et al. 2018	معماری و طراحی و نقش آن در کیفیت مسکن روستایی.	در این مناطق کمتر به بعد کیفی آن توجه شده است و مساکن غیراستاندارد و دارای استحکام ضعیف و به لحاظ بهداشتی در سطح پایینی قرار دارد باید در شیوه نگرش به طراحی و ساخت مسکن روستایی، به خصوصیات بومی، روش های ساخت محلی و تطابق مسکن با نیازهای معیشتی روستائیان اصلاحاتی صورت گیرد و مسائلی مانند مقاومت در برابر زلزله، ملزومات بهداشتی، مباحث زیست محیطی، استفاده از انرژی و مانند آن نیز در طرح مسکن روستایی لحاظ شوند
Noel et al, 2018	عوامل مؤثر در تکامل گونه های مسکن در معماری سنتی بنین.	بررسی روند تکاملی مسکن از خانه با حیاط سنتی به جای سبک غربی پرداخته اند و افزوده اند که تکامل گونه شناسی مسکن در شهر بنین می توان با توجه به عوامل اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی تأثیرگذار بر ساکنان شهر، تحلیل شود.
Azmi et al, 2018	بررسی علل و عوامل مؤثر در بهبود کیفیت مساکن روستایی (مطالعه موردی: بخش اورامان شهرستان سروآباد).	کیفیت مسکن در نواحی روستایی مناسب نیست. این به دلیل عدم رعایت استانداردهای ساخت مسکن و نظارت ضعیف است. پایین بودن ابعاد بهداشت، تسهیلات و رفاه مربوط به فقر مسکن می توانند در بهبود کیفیت مسکن تأثیرگذار باشند. ضعف مدیریت مسئولان، مسئولان هم در این امر بی نصیب نیست و در این امر هیچ نیروی متخصص و ماهر که واقعا بخواهد در مسئله کیفیت زندگی و مسکن تأثیر گذار باشد
Ahmadi, 2020	بررسی عوامل مؤثر بر سکونتگاه های زیستی روستایی.	بین عوامل جغرافیایی همانند شیب زمین، جنس زمین، دسترسی سطح آموزشی و الگوهای زیستی رابطه معنی داری وجود دارد که الگوهای زیستی خاص را برای روستاهای منطقه ایجاد کرده است.

تحلیل عوامل اثرگذار بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی پیراشهری (مورد مطالعه: سکونتگاه های دهستان معجزات شهرستان زنجان).	بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر در تحولات مسکن روستاهای مورد مطالعه نشان داد چهار بعد درآمد، اشتغال، دارایی، هزینه مسکن در شرایط نامطلوب قرار دارند.	Mohammadi et al, 2020
---	--	--------------------------

چارچوب نظری پژوهش

تعاریف و مفاهیم پایه

لذا قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی پژوهش پرداخته شود، از جمله؛

روستا^۱

تأمل پیرامون مسکن و خانه متناظر با مفهوم سکونت کردن در مکانی خاص است. چنان که قبلاً گفته شد سکونت کردن مفهومی فراتر از رفع نیاز دارد و گویای برقراری پیوندی معنادار میان انسان، عناصر مکان، فضا و محیط است؛ طوری که حتی می‌توان شکل گیری تمدن انسانی را از زمان مسکن گزیدن انسان دانست، زیرا مسکن گزیدن مستلزم ارتباط میان انسان و مکان است. استقرار در مکان برپا می‌شود و مکان بخشی از فضای جغرافیایی است که دارای سطح، وجه و بعد است و توسط افراد، اشیاء و دیگر موجودات اشغال می‌شود و در زمان جریان دارد. از منظر سکونت، مکان بخش ویژه‌ای از فضا است که به صورت شهر، روستا، آبادی، قلعه و مزرعه ظهور می‌کند [5]. یکی از جلوه‌های ظهور آبادی، شکل گیری روستاهاست. آنچه آبادی نامیده می‌شود، نخستین تجربه‌ی سکونت برای برقراری پیوند معنادار میان انسان و محیط است که حکایت از تلاش در جهت هویت یافتن و به مکانی احساس تعلق داشتن است. روستا به عنوان یک مجتمع زیستی و جلوه‌گاه بروز خارجی حیات اجتماعی انسان قابل طرح است [6]. به عبارت دیگر، ظهور روستا هم‌ارز با شکل گیری سکونت و به دنبال آن شکل گیری مجتمع‌های زیستی است. سکونت گزینی انسان، باعث شکل گیری آبادی است و آبادی در ذهن انسان مفهومی بدیهی می‌باشد. واژه روستا در فرهنگ‌های فارسی به ده و قریه اطلاق شده است. ده واژه‌ای پارسی است که از دهیو به معنی سرزمین و کشور گرفته شده است. در فرهنگ دهخدا روستا از ریشه رستن و روئیدن معنا شده است در زبان پهلوی به روستا، روستاک، رسداق، رزداق و رستاق می‌گفتند که معنی وسیع تری از ده داشته است. روستا، ساخته‌ای متعلق به دوره سنت است که مجموعه‌ای زیستی از ساخته‌ها، باورها و رفتارهای یک جامعه کوچک انسانی محسوب می‌شود و در پاسخ آنها به نیازهای مبتنی بر آسایش خود و از طریق تعامل برابر و دوسویه‌ی روستایی با سرزمین خود و از پس کشف استعدادهای آن سرزمین به ظهور می‌رسد. در تعریف جهانی مفهوم روستا، منظور از روستای بومی، زیستگاه اشتراکی، خودبسنده، و مقیاس کوچک و اکولوژیک است [7].



شکل شماره (۱)، ابعاد تعریف جهانی روستا. مأخذ: [14].

¹ Village

مسکن روستایی^۲

مسکن را می‌توان به عنوان پدیده‌ای ساده و همزمان پیچیده به عنوان فضایی فیزیکی، با توجه به کلیه عوامل تأثیرگذار بر آن و نیز فضایی فرهنگی، اجتماعی و دفاعی به صورت پدیده‌ای چند ساحتی و یا بهتر، به مثابه موجودی زنده، در نظر گرفت. در حقیقت مسکن، فضایی چند ساحتی، حاصل کنش عوامل مختلف و اساساً پدیده‌ای فرهنگی در معنای وسیع آن است. به بیان دیگر خانه بارزترین و اصلی‌ترین بنای مردمی است. بناهای مردمی ترجمه مستقیم و ناخودآگاه نیازها و ارزش‌ها و همچنین تمایلات و غرایز یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت می‌باشد. معماری مردمی پیوند نزدیکی با فرهنگ توده و زندگی روزمره دارد [8]. با توجه به تعریف مسکن به عنوان فضای زندگی و نه تنها فضای خواب و استراحت، مسکن روستایی را نیز می‌توان چنین تعریف نمود که خانه روستایی فضایی است که در آن انواع فعالیت‌های پویا و زنده اهالی متناسب با نیاز خانواده و با سرپرستی مرد و یا زن خانه، برای تأمین معیشت زندگی انجام می‌شود. از آن جا که مسکن عمده‌ترین و مهمترین بخش بافت است که نقشی اساسی در شکل‌گیری ساختار فضایی کالبدی و هویت معماری روستا دارد و فرهنگ مهمترین شاخصه در حفظ روح و کالبد بافت روستایی به شمار می‌آید؛ مسکن روستایی مقوله‌ای فرهنگی و متأثر از ارزش‌های اجتماعی جامعه و ویژگی‌های زمانی و تاریخی، نیز تعریف می‌شود [9]. این خانه که نه تنها به دلیل نیازهای غریزی و صرف سرپناه، بلکه از روی اراده و آگاهی انسان‌ها ساخته شده، در هر دوره و منطقه شکل متفاوتی دارد و این تفاوت که متأثر از پیشه ساکنان خانه‌ها و جغرافیای منطقه نیز هست، خود را در قالب گوناگونی روش‌های ساخت، مصالح به کار رفته و نوع تقسیم‌بندی فضاهای درونی و بیرونی، نشان می‌دهد. در حقیقت، خانه حریم فرهنگی است که انسان‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند اما در عین حال امکان همزیستی با دیگران را فراهم می‌سازد. علاوه بر این، خانه تجلی‌گاه ارزش‌های خانواده، محله، قوم و ملت است و این تأثیر از شکل خانه تا تزیینات ادامه دارد [10]. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان بیان نمود که خانه روستایی فضایی است متناسب با فعالیت‌های روزانه و پیشینه ساکنان آن و دارای فضاهایی برای نگهداری محصولات کشاورزی، دام‌ها، مرغدانی، تنور، اتاق‌ها، ایوان و فضاهای دیگر که نوع قرارگرفتن فضاها نیز در این خانه به گونه‌ای است که امکان تعامل اعضای خانواده با هم و همسایه‌ها افزایش یابد. اگر خانه را مقوله‌ای فرهنگی بدانیم که دربردارنده‌ی ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی مسکن در هر جامعه است، به واژه فرهنگ خانه برمی‌خوریم که از منظر انسان‌شناختی چنین تعریف می‌شود: "فرهنگ خانه مجموعه معانی و ارزش‌هایی است که چپستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می‌کند" [11]. بنابراین مسکن روستایی مقوله‌ای از جنس فرهنگ است و نه طبیعت و غریزه. این خانه نه تنها محلی برای حفاظت از جسم آدمی و فعالیت‌های او، بلکه حافظه فرهنگی انسان، تجلی‌گاه اندیشه‌ها و باورهای ساکنان خانه، تبلوری از جهان بینی و اخلاق قومی و بازنمود بی‌واسطه فرهنگ است. به طور کلی، خانه‌های روستایی بیانگر نوع نگرش و دانش مردمی است که با به کارگیری از تمام امکانات و ظرفیت‌های موجود بناهایی احداث نموده‌اند که ضمن فراهم کردن شرایط مطلوب برای خانواده به دلیل هماهنگی با طبیعت، مصداقی از هم‌زیستی با محیط زیست و معماری پایدار است [12]. جدول شماره (۲) خصوصیات مسکن روستایی را نمایش می‌دهد.

جدول شماره (۲): خصوصیات مسکن روستایی. مأخذ: [14].

عناوین		خصوصیات مسکن روستایی
مشارکت ساکنان روستا در طراحی و ساخت بنا	هم‌زیستی پایدار با محیط	
کاهش آلودگی در محیط	انطباق شکل بنا با نیازهای فیزیکی و فرهنگی	
سهولت تعمیر و نگهداری	کاهش مصرف انرژی	
چند عملکردی بودن فضاها و فضاهای تطبیق‌پذیر	قابلیت تجدیدپذیری مصالح	
استفاده از ظرفیت‌های بومی و امکانات محلی	استفاده صحیح از منابع موجود در طبیعت	
رابطه متقابل فعالیت‌های زیستی و معیشتی	سادگی و بی‌پیرایگی	
بناهای پاسخ‌ده به شرایط اقلیمی	هماهنگی کالبد بنا با توپوگرافی و محیط اطراف	

² Rural housing

تفاوت مسکن روستایی و مسکن شهری

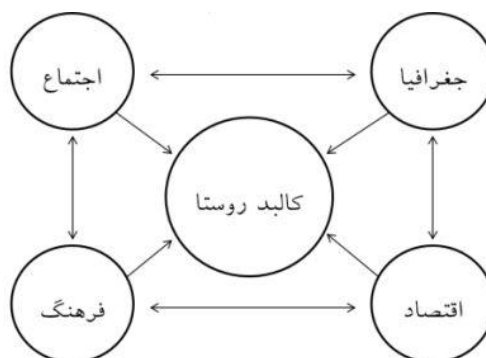
بیان و مقایسه ویژگی های مسکن سنتی روستایی و مسکن شهری در تعریف مسکن روستایی کمک خواهد نمود. مطابق با تعریف جهانی روستا، مسکن روستایی و مسکن شهری از جنبه های الگویی، تفاوت های ساختاری، تفاوت فرهنگی و اجرایی مقایسه می شوند. در جدول شماره (۳)، تلاش شده است تا تفاوت های مسکن روستایی و مسکن شهری از لحاظ ویژگی های اجرایی و فرهنگی بیان شوند.

جدول شماره (۳): تفاوت های مسکن روستایی و مسکن شهری. مأخذ: [14].

مسکن روستایی	مسکن شهری	تفاوت های فرهنگی
محل زندگی، اشتغال و تولید	محل سکونت و استراحت	
شکل گیری بر اساس فعالیت های هر خانوار و مطابق با نیازهای آنها	خرید و فروش مسکن شهری مانند کالاهای مصرفی دیگر	
معماری تک الگویی	معماری گوناگون و متنوع	
محدود سازی حریم ها و محصوریت کمتر	حریم های قوی تر نسبت به روستاها	
فضاهایی مانند ایوان برای افزایش تعامل روستاییان با یکدیگر	عدم وجود فضای تعاملی در خانه های جدید شهری	
مسکن روستایی یکی از اهرم های توسعه اقتصادی محسوب می شود	در اغلب موارد مسکن شهری نقشی در فعالیت اقتصادی ندارد	تفاوت های اجرایی
استفاده از مصالح سنتی و بوم آورد	استفاده از مصالح فرآوری شده و صنعتی	
حفاظت مناسب در برابر گرما و سرما	صرف هزینه های زیاد برای حفاظت در برابر گرما و سرما	
محدودیت بازشو به دلیل مسائل سازهای	بازشوها در هر نقطه ایجاد می شود	
نیازمند ترمیم مداوم	عدم نیاز به ترمیم مداوم	
ضعف در برابر سوانح طبیعی، ضعف های سازه ای و الودگی های محیطی به دلیل تداخل فضاهای معیشتی و زیستی	در مسکن روستایی بسیاری از مشکلات مسکن روستایی برطرف شده است.	

عوامل شکل گیری مسکن روستایی

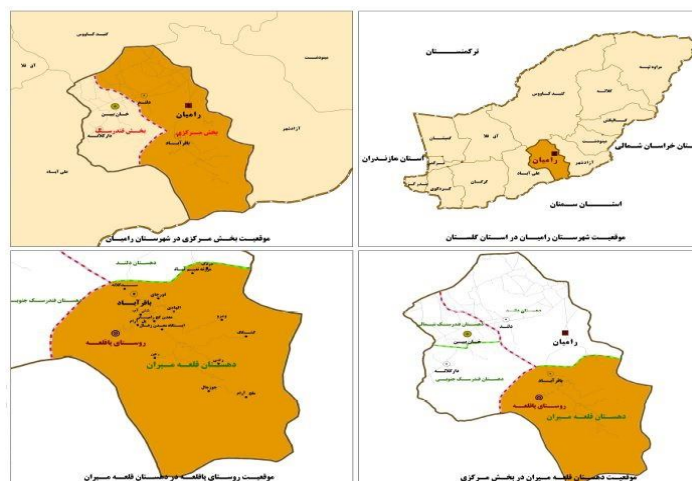
همان گونه که معمولا مسکن را متأثر از عوامل گوناگون می دانند، مسکن روستایی نیز متأثر از کنش عوامل متعدد است. نگاهی جام و کل نگر به مسکن روستایی نشان می دهد که مسکن روستایی پدیده های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مکانی کالبدی است که با هدف فراهم کردن شرایط مناسب زیست و زندگی بر پا می شود.



شکل شماره (۲)، دیاگرام ارتباط متقابل عوامل مؤثر در معماری کالبد روستا، مأخذ: [12].

محدوده پژوهش

روستای پاقلعه طبق آخرین تقسیمات کشوری در دهستان قلعه میران از بخش مرکزی شهرستان رامیان واقع شده است. این روستا به لحاظ موقعیت مطلق جغرافیایی در محدوده ای با مختصات بین ۳۶ درجه و ۵۵ دقیقه و ۱۱ ثانیه عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۶ دقیقه و ۱۶ ثانیه طول شرقی تا ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه و ۳۲ ثانیه عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۵ دقیقه و ۵۷ ثانیه طول شرقی قرار گرفته است و ارتفاع متوسط اراضی آن از سطح دریا ۱۱۸۰ متر می باشد. فاصله این روستا تا مرکز بخش و شهرستان (شهر رامیان) ۱۲ کیلومتر و تا مرکز دهستان (روستای باقرآباد) ۹ کیلومتر می باشد. همان طور که در تصویر زیر نمایش داده شده است محدوده عرفی این روستا از شمال شرقی به روستای پل آرام، از جنوب و غرب به ارتفاعات قلعه ماران و از شمال غربی به منطقه تفریحی جامه شوران محدود می شود.



شکل شماره (۳)، موقعیت روستای پاقلعه شهرستان رامیان، در سطح بخش، شهرستان، استان و کشور، مأخذ: [20].

شرح یافته های پایه: بازشناسی اصول و معیارها

موقعیت و چگونگی استقرار بافت کالبدی روستا

زندگی روستایی و نوع نگرش روستائیان به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید و شیوه های بهره وری باعث می شود تا اجزای محیط به مطلوب ترین و درعین رعایت سادگی و بر قراری رابطه ای منطقی و مکمل بین آن ها، با حداکثر کارایی شکل گیرند. سازمان فضایی- کالبدی روستا که انعکاس ارزش های اجتماعی- اقتصادی و کالبدی آن به شمار می رود، متأثر از این نحوه کارکرد، شکل می گیرد. بافت هر روستا تحت عوامل گوناگونی نظیر شرایط اقلیمی، فرهنگ، سنن، امنیت و برخی عوامل طبیعی و مصنوعی محلی ایجاد می گردد، علاوه بر این، نوع معیشت و نحوه گذران زندگی ساکنان تا حد بسیار زیادی بر شکل گیری الگوی بافت و مسکن تأثیر دارد [15]. به طور کلی در شکل گیری بافت سکونتگاه های روستایی، عوامل اقلیمی و محیطی و شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذارند. در رابطه با روستای پاقلعه نیز با توجه به شرایط ویژه آن در ارتباط با عوامل محیطی نظیر موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی و نیز در رابطه با شرایط خاص آب و هوایی که در دسته ای اقلیم معتدل و مرطوب طبقه بندی می گردد و همچنین با در نظر گیری الگوهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختص به آن، هریک از معیارهای اثربخش بر چگونگی شکل گیری بافت روستا در قالب پنج گروه زیر بیان می گرد:

عوامل اقلیمی

این عوامل شامل تأثیرگذاری باد، دما و تابش آفتاب است. بعنوان مثال قرارگیری بافت روستا در محدوده ایمن بادهای روزانه و ساعتی از کوهپایه و قله بمنظور مقابله با بادهای مزاحم بوده است. همچنین شکل گیری بافت روستا به صورت متراکم جهت مقابله با بادهای سرد زمستانی صورت پذیرفته است. در رابطه با تابش آفتاب، بافت روستای پاقلعه به صورت محصور شکل گرفته است و جهت گیری قطعات در راستای دریافت بیشترین میزان انرژی خورشیدی بوده است. از این رو جهت گیری شبکه معابر در راستای شمالی-جنوبی است که به منظور دریافت نور آفتاب کافی ست [20].

عوامل محیطی

در این ارتباط تاثیر منابع آبی و ویژگی های زمین مورد نظر است. آن گونه که به نظر می رسد، شکل گیری معابر روستا تحت تاثیر جهت جریان مسیر های آب در روستا بوده است. همچنین شکل گیری بافت به صورت پلکانی در انطباق با شرایط توپوگرافیک و همساز با بستر قرار گیری آن بواسطه قرارگیری در دامنه ی کوه بوده است که این عامل در زمره مهمترین عوامل تأثیرگذار بر چگونگی شکل گیری بافت روستای پاقلعه بشمار می آید. بدنبال آن، معابر پر پیچ و خم نیز بواسطه ی شیب زیاد و استقرار پی خانه ها بر روی صخره -های سنگی قابل ملاحظه اند [20].

عناصر همجوار طبیعی

این عوامل شامل باغات و زمین های کشاورزی موجود در روستا می باشد. وجود اراضی زراعی و باغات در جنوب و شمال شرقی روستا موجب پراکنده شکل گرفتن منازل در این قسمت های بافت شده است.

عوامل اجتماعی-فرهنگی

این عوامل شامل بررسی محصوریت فضاهاست و روستای پاقلعه، به علت برخورداری از فرهنگ برون گرایی، فاقد محصوریت بوده و در مواردی توسط پرچین و دیوار های کوتاه محصور شده اند؛ در حالی که مسکن ساکنین غیربومی که غالباً به صورت ویلاهای شخصی است، با دیوار های بلند محصور گردیده اند.

عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی در ارتباط با نوع معیشت ساکنین روستاست؛ در این زمینه، شکل گیری شبکه معابر روستا به گونه ای است که به واسطه کشاورز و دام پرور بودن ساکنین روستا، بیشتر معابر اصلی روستا به مراتع و جنگل های پیرامون روستا ختم می گردد. همچنین عمده معابر فرعی روستا کم عرض و متناسب با عبور دام در نظر گرفته شده اند. بیش تر واحد های مسکونی ساکنین بومی در روستای پاقلعه به صورت دو طبقه می باشد که طبقه اول آن مخصوص نگهداری دام بوده و طبقه فوقانی آن به سکونت اختصاص یافته است [20].

تحلیل ویژگی های معماری و نیز کیفیت ابنیه موجود در روستا

الگوی معماری ابنیه

نحوه استقرار، پلان، فرم، چشم انداز و سایر ویژگی های معماری ابنیه ی روستای پاقلعه، اساساً از طبیعت، جغرافیا، توپوگرافی و سایر مسائل اقلیمی منطقه تأثیر پذیرفته است و نمونه هایی از معماری بومی را پدید آورده که می توان از آنها در طراحی و ساخت بناهای جدید استفاده نمود. همان گونه که پیش تر ذکر شد بافت روستایی در اقلیم معتدل و مرطوب، عموماً به صورت باز و گسترده شکل می گیرد. این امر علاوه بر آن که برای استفاده از باد مفید صورت می پذیرد، برای مقابله با رطوبت نیز می باشد. وجود رطوبت موجب می شود که ضرورتاً فضای بین خانه ها زیاد باشد. همین امر نیز سبب می گردد که در ساخت توده های مسکونی، سعی شود توده کمترین تماس با دیوارهای حیاط و حتی زمین را داشته باشد [20]. از این روست که الگوی اشغال توده های مسکونی در این روستا، "ساختمان مرکزی" است. همچنین از آن جا که بارندگی در این منطقه فراوان است، کف ساختمان بر روی پایه های سنگی یا کرسی چینی پی ساختمان صورت می پذیرد، ساختمان ها فاقد زیرزمین می باشند و دسترسی به بنا از طریق پله امکان پذیر می گردد. همچنین احداث بام های شیب دار با پوشش سفال، گالی، حلب و آریست و استفاده از ایوان یا پیش آمدگی بام برای محافظت از ورودی ساختمان در برابر بارندگی تقریباً اجتناب ناپذیر است. در ساخت خانه های این روستا، مصالح اصلی چوب و خشت است که با اندودی از گل روکش شده است و همینطور بام هایی شیروانی که با سفال و یا حلب پوشش داده شده اند. فرم بناها معمولاً مکعب مستطیلی است که با توجه به جهت نور و باد مطلوب جهت گیری شده و بالکن های عریض چوبی، حجم های پر و خالی متناسب با هم را بوجود آورده است. همچنین برخی ویژگی های فرهنگی نیز در الگوی معماری این روستا اثرگذار بوده است که از آن جمله می توان به معماری برون گرای ابنیه و همین طور سادگی فرم آنها اشاره کرد. حتی در مورد بناهایی مانند مسجد و فاطمیه که به لحاظ عملکردی عناصری شاخص بشمار می روند، فرم متمایز و شاخصی مشاهده نمی گردد. در ارزیابی معماری ابنیه، بویژه در رابطه با بافت های قدیمی تر روستا، می توان از الگوی معماری ویژه

منازل مسکونی سخن گفت؛ الگویی که هماهنگ با قواعد زیست محیطی شکل گرفته است. با توجه به تمایز الگوی معماری منازل بومیان با ساخت و سازهای جدید به نظر می رسد ارائه ی ضوابطی برای انتقال الگوی مطلوب گذشته به وضعیت کنونی مورد نیاز است. بارزترین موارد در الگوبرداری بناهای جدید از نمونه های بومی و قدیمی این روستا می تواند درگیرنده ی موارد ذیل باشد [20]؛

بهره گیری از بام شیروانی با مصالحی متناسب با پوشش بام؛ کاربرد مصالح و رنگ متناسب با مصالح و رنگ بناهای قدیمی؛ در نظر داشتن ارتفاع و تعداد طبقات بطوری که به بافت قدیم روستا آسیب وارد نکنند؛ استفاده از بالکن در فرم کلی بنا؛ هماهنگی در جهت گیری و فرم بنا با بناهای قدیمی؛ هماهنگی بازشوها و نرده ها همانند الگوهای قدیمی (چوب و یا مصالح به رنگ چوب)؛ ساخت بنا بر روی کف کرسی و نماهای قاب بندی شده با ستونک های بالکن ها. به طور مختصر اصول رعایت شده در معماری بومی این منطقه را می توان به صورت جدول شماره (۴) که چهارچوب آن برگرفته از جدول آقای فاتح است، نشان داد [17]. با توجه به اطلاعات و مشاهدات به دست آمده، ساختمان های موجود با در نظر گرفتن اقلیم و جغرافیا، دارای خصوصیات در فرم کلی معماری خانه های بومی منطقه مورد مطالعه عبارتند از:

جدول شماره (۴): اصول رعایت شده در معماری بومی. منبع: (نگارنده).

نوع اقلیم	نوع مصالح	نوع پلان	نوع بام	جهت استقرار	نحوه ارتباط ساختمان به زمین	سطح و تعداد پنجره	میزان استفاده از تهویه طبیعی	بافت مجموعه
معتدل و مرطوب	ظرفیت حرارتی بالا	خطی	شیب دار	شرق تا غرب	پایه های سنگی یا کرسی چینی	کم	متوسط	باز و گسترده

کیفیات کالبدی و بصری ابنیه

در این بخش از ارزیابی های مربوط به ویژگی های کالبدی، در ارتباط با مواردی چون، احجام ابنیه، تناسبات، مصالح، رنگ، نوع پوشش سقف و عناصر الحاقی به آنها، مطالبی ذکر می شود که گزیده ای از موارد مذکور در بخش های پیشین است.

حجم بنا

افزون بر آنچه در رابطه با الگوی عمده ی اشغال توده به صورت ساختمان مرکزی و نیز قرارگیری حجم بنا بر روی سکو مطرح گردید، با توجه به بررسی های صورت گرفته می توان گفت حجم بناهای ساخته شده در قطعات بیشتر بصورت مستطیل شکل بوده و در طبقه همکف زیربنایی بیشتر از طبقه دوم را دارا می باشد. همچنین در طبقه دوم با در نظر گرفتن غلام گرد در اطراف بنا در چهار طرف عقب نشینی مشاهده می شود. در محدودی از بناهای قدیمی روستا احجام شکل گرفته بصورت مکعب مربع نیز می باشد که همانند احجام مستطیل شکل در مرکز و یا گوشه ی قطعه ایجاد شده اند. نوع دیگری از احجام که جدیداً در بافت شکل گرفته است در طبقه دوم تنها از یک جهت عقب نشینی داشته و از سه جهت دیگر در راستای طبقه اول ساخته شده است. نمونه های این احجام در تصاویر زیر مشاهده می گردد.

مصالح ابنیه

در دسته بعدی ابنیه مخروطی که اکثراً خالی از سکنه بوده و از مصالح کم دوام مانند خشت و گل ساخته شده اند و دارای قدمتی بیش از ۳۰ سال هستند. در مقایسه ی بناهای قدیمی و نوساز، دو دسته مصالح بیشتر به چشم می خورند؛ مصالح ابنیه ی قدیمی عمدتاً چوب و بلوک سیمانی اند و از این رو فاقد پایداری مطلوب هستند. در مقابل مصالح مورد استفاده در ساخت و سازهای جدید بیشتر شامل آجر، سنگ و سقف های طاق ضربی اند و در قیاس با ابنیه قدیمی از استحکام نسبی برخوردارند. با توجه به آنچه در رابطه با استقرار این منطقه در نواحی لرزه خیز عنوان گردید، به نظر می رسد مرمت و مقاوم سازی ابنیه ای که از مصالح فاقد پایداری ساخته شده اند ضرورت داشته باشد. همچنان که استفاده از مصالح با مقاومت بالا در ساخت و سازها حائز

اهمیت است، بهره‌گیری از مصالح بوم آورد نیز به طور خاص می‌تواند منجر به پایداری بیشتر روستا شود؛ مصالحی همچون چوب، سفال، گالوانیزه، بلوک سیمانی و غیره.

خط آسمان و تأکیدات افقی و عمودی نما

در روستای پاقلعه به دلیل شکل‌گیری قطعات بصورت پراکنده خط آسمان و زمین ممتدی از ساختمان‌ها مشاهده نمی‌گردد و صرفاً خط آسمانها شامل خط آسمان تک بناهاست. خط زمین در قسمت‌هایی که ساخت و ساز انجام شده بصورت ناهموار و طبقاتی شکل گرفته است. اما در سکانس‌های دورتر الگوی استقرار بناها به صورت پلکانی خط آسمانی با امتداد افقی یا مایل را شکل می‌دهد که به همراه بهره‌مندی از پس زمینه‌ی کوهستانی در مجموع سکانس‌های بصری ارزشمندی را فراهم می‌آورد. در این میان ساخت و سازهای خارج از الگوهای مطرح شده می‌تواند نظم خط آسمان را برهم زده و به تبع آن کیفیت سیمای بصری روستا را تنزل دهد به طور کلی ساختمان‌های روستای پاقلعه فاقد هرگونه تزئینات می‌باشند و تنها اجزای تشکیل‌دهنده نمای ساختمان بازشوها (درها و پنجره‌ها) می‌باشد که این عناصر خطوط عمودی و افقی نما را تشکیل می‌دهند. از دیگر خطوط افقی و عمودی نما می‌توان به نرده‌ها و ستون‌ها نکه دارنده‌ی سقف در بالکن‌ها اشاره نمود که به صورت ریتمیک در نما شکل گرفته‌اند [20].

نوع و جنس پوشش سقف

بدلیل قرارگیری در آب و هوای مرطوب و برخورد از باران زیاد، سقف تمامی ساختمان‌ها بصورت شیروانی شکل گرفته که در اکثر موارد این سقف‌ها با مصالحی نظیر ایرانیت و حلب و در ساخت و سازهای جدید سفال می‌باشد. رنگ‌های بکار رفته در این سقف‌ها در ساخت و سازهای اولیه به رنگ قرمز (حلب) و در ساخت و سازهای جدید به رنگ‌های متنوعی نظیر سفید، آبی، قرمز، نارنجی و... می‌باشد.

عناصر الحاقی نما

همانگونه که پیشتر بیان گردید، ساختمان‌های روستای پاقلعه فاقد هرگونه تزئینات و یا الحاقات می‌باشند و تنها ساختمان‌هایی که دارای الحاقات (تابلوهای تبلیغاتی) می‌باشند ساختمان‌های دارای کاربری خدماتی هستند. در این ارتباط همان گونه که امکان حفظ وضعیت موجود و نیز بهره‌گیری از عناصر الحاقی به نما در برخی معابر به منظور ارتقای کیفیات فضاهای عمومی نظیر رنگ تعلق و غنای حس دیداری وجود دارد، نگرانی در باب ایجاد اغتشاش بصری در اثر بکارگیری نامناسب و بدون هماهنگی عناصر این چینی نیز احساس می‌گردد.

ویژگی‌های جزئیات ابنیه

نرده

در روستای پاقلعه نرده‌های بکاررفته درنمای ساختمان‌های قدیمی اغلب از جنس چوب بوده که با گذشت زمان دچار فرسودگی و تخریب می‌گردد. در ساخت و سازهای جدید بدلیل آسیب پذیر بودن چوب از نرده‌های فلزی با رنگ‌های متفاوت استفاده شده است. شایان ذکر اینکه خانه‌های قدیمی از ترکیب ساده‌ی خطوط افقی و عمودی برای نرده‌ها استفاده کرده‌اند که از لحاظ ترکیب بندی بصری و سازه‌ای حائز اهمیت است.

ناودان

در گذشته هدایت آب باران روی بام‌ها به شیوه‌ای غیر از ناودان انجام می‌شده است. سقف خانه‌ها به صورت شیب چهار طرفه با شبکه سه بعدی چوبی مقاومی ساخته می‌شده است و حلب پوشش انتهایی بام را شکل می‌داده است. در نتیجه آب باران به داخل نفوذ نمی‌کرده است و به چهار طرف خانه سرازیر می‌شده است. سپس با جاری شدن در معابر به پایین دست روستا منتقل یا جذب زمین می‌شده است. امروزه دربازسازی خانه‌های قدیمی به وسیله خود اهالی به دلیل جلوگیری از ریزش آب باران در معابر و هدایت آنها به صورت اصولی‌تر از ناودان‌های روکار استفاده شده است. این ناودان‌ها از جنس آلومینیوم یا پلاستیک با اشکال و رنگ‌های متفاوت است. ناودان‌های ساخت و سازهای جدید نیز به صورت روکار و از همان جنس است [20].

سقف

طبق مشاهدات صورت گرفته، سقف منازل قدیمی موجود در روستای پاقلعه در لایه زیرین از جنس چوب و در لایه بیرون از حلب ساخته شده اند. که با گذشت زمان حلب ها زنگ زده و چوب ها دچار شکستگی شده اند. در ساخت و سازهای جدید از سفال برای سقف ها استفاده شده است که هم از نظر ظاهر و هم دوام از حلب مقاوم تر می باشد. نکته قابل توجه در سقف ها این است که در خانه های قدیمی که پوشش بیرونی از حلب است لبه و بام که رخاب نامیده می شود از الگوی مشخص شده در تصویر بهره برده اند.

شایان ذکر اینکه لایه درونی سقف که از چوب می باشد در واقع از چندین لایه چوبی تشکیل شده که فضای سه بعدی جذابی از چوب های بافته شده را نمایان می سازد.

بازشوها

در ساخت و ساز های قدیمی روستای پاقلعه تمامی بازشوها بدلیل وجود چوب فراوان از چوب ساخته شده است. اما در ساخت های جدید بدلیل فرسوده شدن چوب به مرور زمان بکارگیری فلزات بیشتر مورد توجه ساکنین قرار گرفته است. اکثر خانه ها دارای بازشوهای کوچک با حداقل سطح تماس با محیط خارج می باشد که این امر بدلیل آب و هوای سرد و کوهستانی روستا در زمستان هاست [20].

بررسی الگوی غالب مسکن و جزئیات معماری

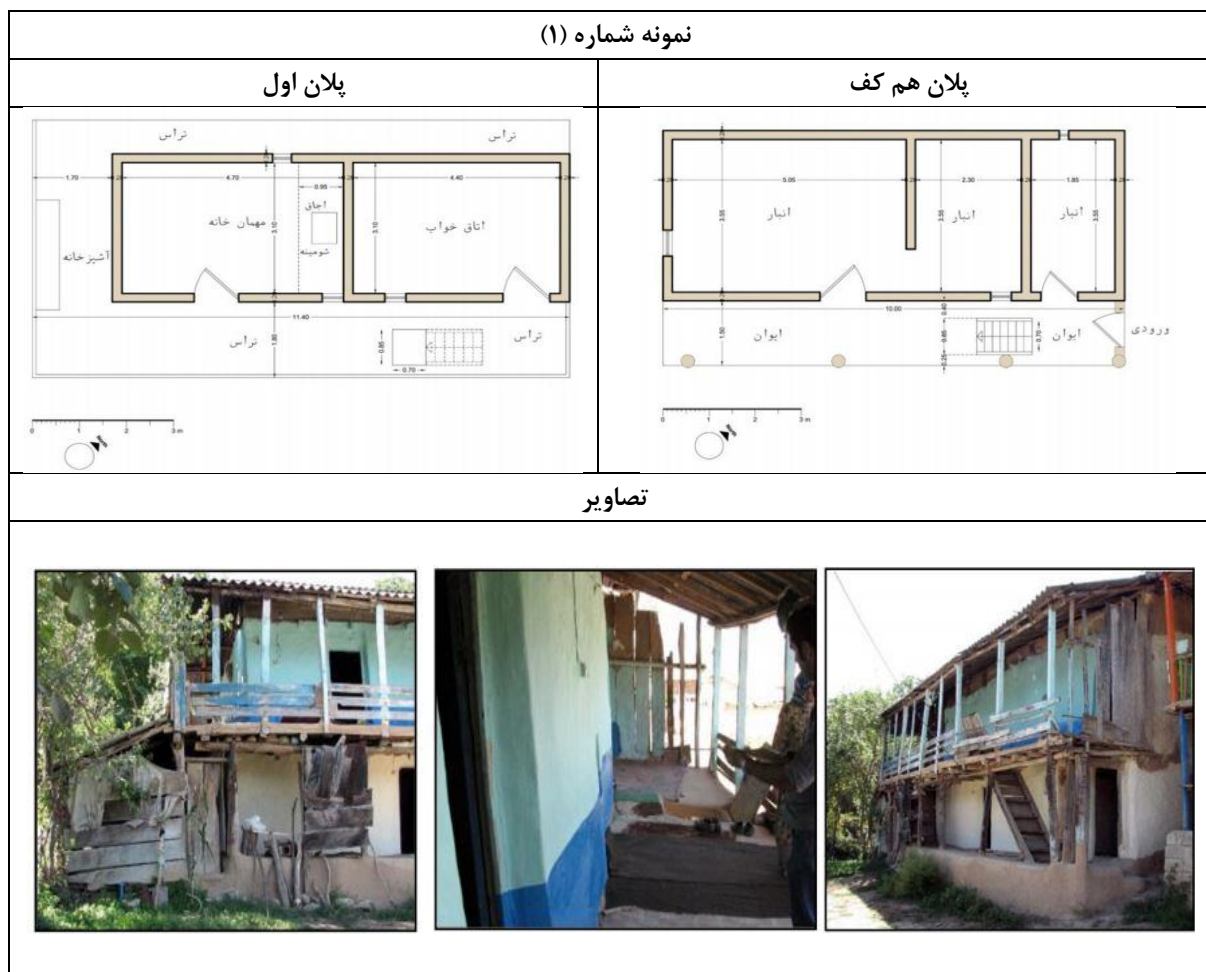
الگوی غالب (پلان) مبتنی بر ویژگی های اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی روستا

غناي معماری بومی ایران را می توان ناشی از تنوع اقلیمی و شرایط آب و هوایی گوناگونی دانست که گونه ای همسازی و انطباق را بین معماری و شرایط زیست محیطی و در عین حال، اقتضای جغرافیایی و مکانی شکل می دهد. این امر خاصه در مناطق روستایی ایران در به کارگیری مصالح بوم آورد و خلق تکنیک های ویژه ساخت مسکن، خود را می نمایاند که کارآمد ترین روش پاسخگویی به نیازهای فیزیکی و روحی ساکنان این سرزمین را یاد آور می شود، آن چنان که جزیی از دانش بومی این سرزمین باستانی و اصیل را به تصویر می کشد. در این میان، مسکن بومی، ساکنین روستای پاقلعه سرشار از تکنیک ها و کاربرست های مناسب و همساز با اقلیم روستایی است که در ادامه به آن ها پرداخته می شود.

برداشت شماره یک

پیش آمدگی چهارطرفه بام، انتظام فضاها بصورت خطی و تک لایه، استفاده از پله ارتباطی طبقات بصورت مستقیم، فضاها پر و خالی و نحوه ارتباط آنها با ایوان و تراس، شیب بام دو طرفه، استفاده از دید و منظر طبیعی، استقرار پنجره ها جهت تهویه و کوران هوا، تراس چهار طرفه همراه با نرده از اصول رعایت شده در این خانه بوده است. نکته جالب در این بنا تراس طبقه بالا حالت غلام گرد داشته و گرداگرد ساختمان به چشم می خورد. یکی از الگوهای شاخص استفاده شده در ساختار ابنیه روستا استفاده از پلکان دسترسی به طبقات بالا می باشد که بصورت مستقیم و نمایان طبقه پایین (همکف) را به طبقه بالا ارتباط می دهد. در تراس طبقه بالا دریچه ای برای ورود به بالا تعبیه نموده اند که این نحوه دسترسی و ارتباط در تمامی ابنیه روستا وجود داشته و به نوعی خاص تجلی یافته است. در ارتباط با تزئینات و جزئیات اجرایی باید به این نکته اشاره نمود که ساخت بنا بسیار ساده و تقریباً بدون آذین می باشند. در طراحی فضاها درونی نیز سادگی و بی پیرایگی از اصول اصلی بوده و علاقه بسیاری به استفاده از کنج ها داشته و در تمامی ابنیه روستا این نحوه برخورد مشاهده می شود. در برخی از خانه های روستایی فضاهایی جهت پخت و پز (مطببخ) یافت می شود که به عنوان شومینه نیز مورد استفاده قرار می گرفته است. به آشپزخانه نیز بصورت کاملاً ساده و خطی و گاهاً بدون حفاظ در امتداد تراس طبقه بالا یا پایین الحاق شده است.

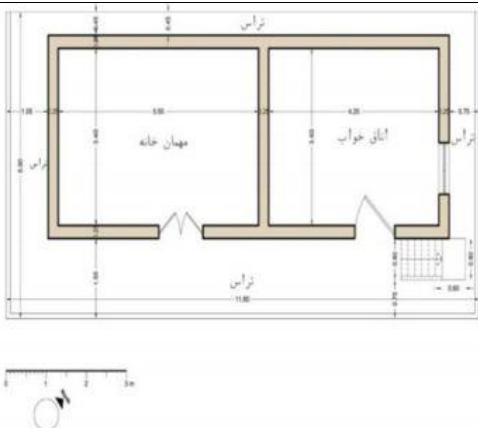
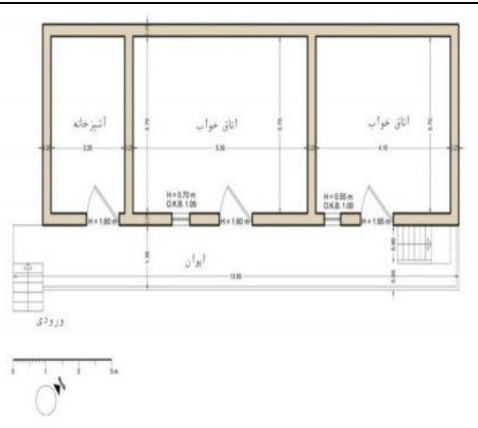
جدول شماره (۵): اطلاعات برداشت شده نمونه مساکن مورد مطالعه، مأخذ: [20].



برداشت شماره دو

پیش‌آمدگی چهارطرفه بام، انتظام فضاها بصورت خطی و تک لایه، ارتباط فضاهای پر و خالی بصورت ایوان و تراس تجلی یافته است، شیب بام دوطرفه، استفاده از دید و منظر طبیعی، استقرار پنجره‌ها جهت تهویه و کوران هوا در این بنا دیده می‌شود، نمای بیرونی بسیار ساده می‌باشد، ساخت ساختمان بر روی کرسی چینی که اختلاف اندکی با سطح زمین پیدا نماید. در هر دو طبقه نرده دارای جزئیات مشابه است. در ارتباط با تزئینات و جزئیات اجرایی باید به این نکته اشاره نمود که بسیار ساده می‌باشند. در طراحی فضاها درونی نیز سادگی و بی‌پیرایگی از اصول اصلی بوده و علاقه بسیاری به استفاده از کنج‌ها داشته و در تمامی ابنیه روستا این نحوه برخورد مشاهده می‌شود. یکی از الگوهای شاخص استفاده شده در ساختار ابنیه روستا استفاده از پلکان دسترسی به طبقات بالا می‌باشد که بصورت مستقیم و نمایان طبقه پایین (همکف) را به طبقه بالا ارتباط می‌دهد. در تراس طبقه بالا دریچه‌ای برای ورود به بالا تعبیه نموده‌اند که این نحوه دسترسی و ارتباط در تمامی ابنیه روستا وجود داشته و به نوعی خاص تجلی یافته است.

جدول شماره (۶): اطلاعات برداشت شده نمونه مساکن مورد مطالعه، مأخذ: [20].

نمونه شماره (۱)	
پلان اول	پلان هم کف
	
تصاویر	
	

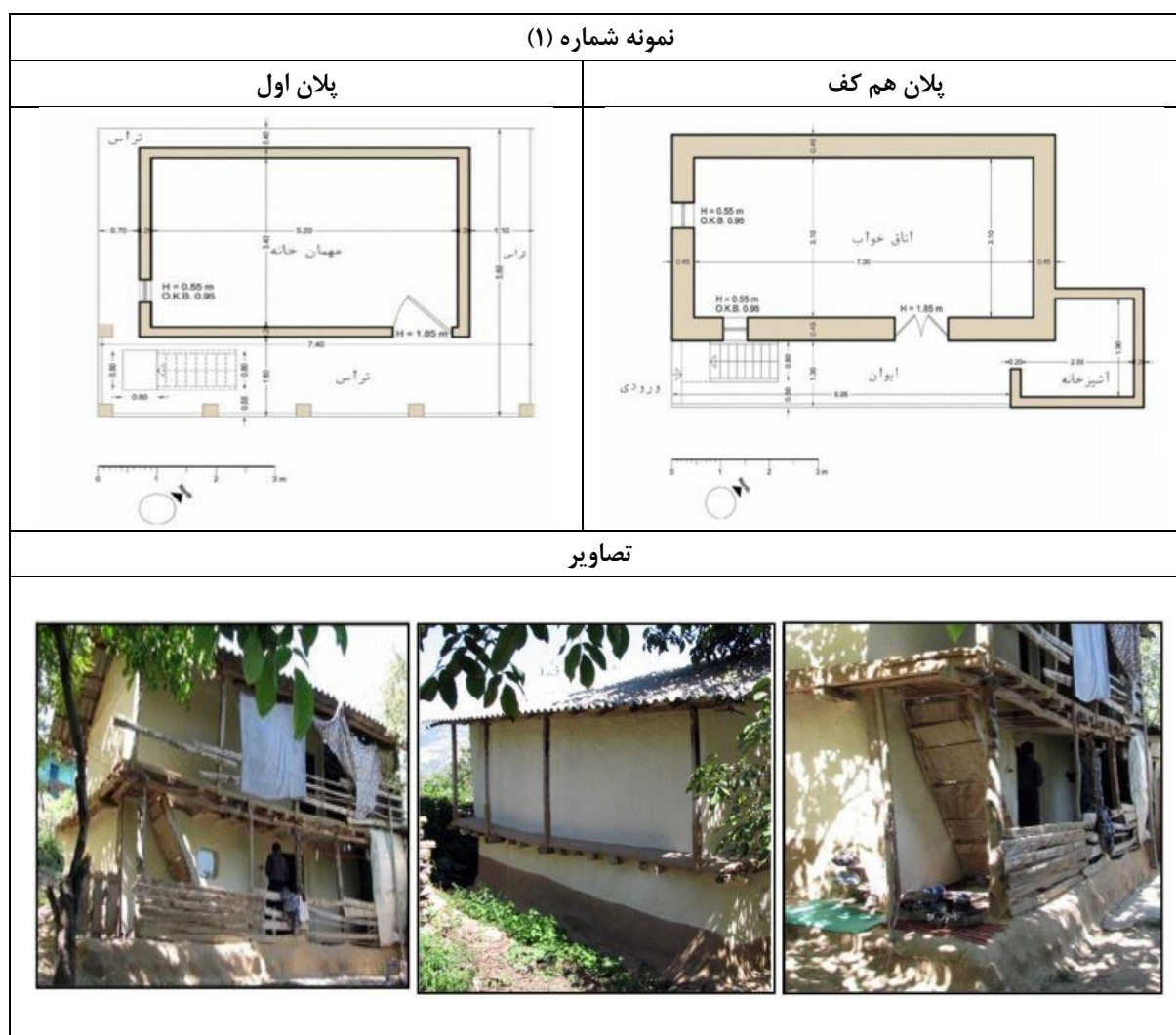
برداشت شماره سه

پیش آمدگی چهارطرفه بام، انتظام فضاها بصورت خطی و تک لایه، استفاده از پله ارتباطی طبقات بصورت مستقیم، فضاهای پر و خالی و نحوه ارتباط آنها با ایوان و تراس، شیب بام دوطرفه، استفاده از دید و منظر طبیعی، استقرار پنجره ها جهت تهویه و کوران هوا، تراس بالا چهار طرفه همراه با نرده بوده و کاملاً برون گرا می باشد. نکته جالب در این روستا تراس طبقه بالا حالت غلام گرد آداشته و گردگرد ساختمان وجود دارد. یکی از الگوهای شاخص استفاده شده در ساختار ابنیه روستا استفاده از پلکان دسترسی به طبقات بالا می باشد که بصورت مستقیم و نمایان طبقه پایین (همکف) را به طبقه بالا ارتباط می دهد. در تراس طبقه

^۳ به راهرو باز یا سرپوشیده دورادور عمارت ها و بناهای بزرگ غلام گردش، غلام گرد یا مرد گرد می گویند. این راهرو معمولاً به صورت ایوان سرپوشیده است. به راهرویی که بین دو فضا قرار می گیرد و به هر دوی آن ها راه دارد هم غلام گردش می گویند. کاربرد اصلی راهرو ایوان مانند دور خانه و کاخ، یا همان غلام گردش، برای عبور خدم و حشم بوده و کارهای مربوط به تدارکات در آن انجام می گرفته است، تا درب اتاق ها و تالارها کمتر باز شده و اندرونی خانه از چشم «نامحرمان» در امان بماند. غلام گردش های ستون دار و سرپوشیده همچنین مانند محافظی در جلوی دیوار اصلی عمارت عمل می کرده اند. غلام گردش ها از ارکان مهم در معماری روستایی شمال کشور هستند. در خانه های روستایی شمال کشور یک غلام گرد مانند ایوانی در سرتاسر محیط ساختمان قرار می گیرد و بام را تا جلوی غلام گرد ادامه می دهند. به این ترتیب بام مانند چتری گسترده روی کل ساختمان و ایوان است. هم چنین از سمتی که باد غالب می وزد و باران از آن ناحیه به بدنه ساختمان برخورد می کند، بام را تا ارتفاع پایین تری ادامه می دهند. به این صورت با ایجاد غلام گرد و پوشش بالای آن هم دیوارها محافظت می شوند هم یک فضای مناسب که در سایه قرار دارد و هوا در اطراف آن می تواند جریان یابد، برای ساکنان به وجود می آید.

بالا در پیچه ای برای ورود به بالا تعبیه نموده اند که این نحوه دسترسی و ارتباط در تمامی ابنیه روستا وجود داشته و به نوعی خاص تجلی یافته است. در ارتباط با تزئینات و جزئیات اجرایی باید به این نکته اشاره نمود که بسیار ساده و تقریباً بدون آذین می باشند. در طراحی فضاهای درونی نیز سادگی و بی پیرایگی از اصول اصلی بوده و علاقه بسیاری به استفاده از کنج ها داشته و در تمامی ابنیه روستا این نحوه برخورد مشاهده می شود. نکته جالب در این روستا تراس طبقه بالا حالت غلام گرد داشته و گرداگرد ساختمان وجود دارد.

جدول شماره (۷): اطلاعات برداشت شده نمونه مسکن مورد مطالعه، مأخذ: [20].



به طور کلی، می توان برخی ویژگی های عمومی مشترک و غالب گونه های مسکن روستایی روستای پاقلعه - شهرستان رامیان را به صورت ذیل برشمرد:

۱- نسبت توده فضا: عموماً ترکیب فضای زیستی، خدماتی و دام- طیور، حداکثر اشغال سطح زمین را به خود اختصاص می دهد. استفاده حداکثری از موهبات مسکن (آسایش محیطی حاصل از مسکن)، دردسترس داشتن عملکردهای ضروری مرتبط با مسکن روستایی، گونه ای از مسکن را که ارتباط نزدیکی با معیشت روستایی دارد، ارائه می دهد.

۲- شکل و هندسه حیاط: رعایت جنبه های عملکردی، بهره و استفاده حداکثری از فضای حیاط، بر جنبه های ظاهری غلبه دارد. غلبه تعداد حیاط های با اشکال ساده در کنار غلبه تعداد حیاط های کنج با مساحت های کمتر، خود نشانگر این مطلب است.

۳- مطلوبیت جهت گیری‌ها مرتبط با باد و تابش: در نحوه جهت گیری ساختمان‌ها، هرچند که عموماً جهت گیری‌های ساختمانی مرتبط با باد و تابش مطلوب است؛ ولی، مطلوبیت جهت گیری‌ها نسبت به میزان و کیفیت سایه و تابش دریافتی از جهت گیری‌ها نسبت به جهات باد (غالب، مطلوب و مزاحم) وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد درک ارتباط چگونگی انتظام فضایی مسکن با میزان و کیفیت تابش دریافتی نسبت به باد غلبه داشته است.

۴- نحوه چیدمان (تفکیک) حوزه‌های عملکردی: همجواری انسان، دام و خدمات از ملزومات طراحی بوده است. دام و خدمات از عناصر اصلی ساختار معیشتی خانواده روستایی محسوب می‌شوند.

۵- جانمایی گونه‌های فضایی (حضور یا عدم حضور فضای واسطه‌پر و خالی): نحوه کنار هم‌نشینی گونه‌های مختلف فضایی (فضای پر، فضای خالی و فضای واسطه) می‌توان اینگونه بیان کرد که حضور یا عدم حضور فضای واسطه بین فضاهای پر و خالی بیشتر از جنبه ایجاد شرایط آسایش محیطی و لحاظ سلسله مراتب حریمیتی توجیه پذیر است. در مجموع، حضور یا عدم حضور فضای واسطه بین فضای پر و فضای خالی همچون بالکن، تراس، بهارخواب یا مهتابی، دالان و غیره تفاوت معنی داری را نشان نمی‌دهد که می‌توان این مورد را در قالب پاسخ به ضرورت‌های عملکردی مطرح دانست.

۶- تفکیک حرایم (حریمیتی): تفکیک حرایم و رعایت سلسله مراتب حریمیتی در ساختار نظام مسکن روستایی مورد ملاحظه نبوده است، به گونه‌ای که پیچیدگی ارتباط عملکردی فضاها در مسکن روستایی مان مراعات سلسله مراتب حریمیتی که جزو ملاحظات فرهنگی مسکن روستایی است، نشده است

اما از سوی دیگر ساختمان‌های جدید الاحداث که عمدتاً متعلق به غیر بومیان و یا بومیان فصلی می‌باشد به دلیل استفاده از مصالح غیر بومی، نماسازی‌های غیر همگون با سایر بناهای روستا و... چهره‌ای ناهمگون با بافت روستایی را در بخش‌هایی از بافت علی‌الخصوص بخش‌های شمالی روستا ایجاد نموده‌اند.

تحلیل و آسیب شناسی الگوهای غالب مسکن و ویژگی‌های جزئیات ابنیه

سکونتگاه‌های روستایی، همچون هر پدیده‌ای، پیوسته در معرض تحول و دگرگونی قرار دارند. طی چند دهه اخیر، اجرای برنامه‌ها و اقدامات متنوع توسط دستگاه‌ها و نهادهای مختلف از یک سو و روندهای نوجویی در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو، زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی در محیط‌های روستایی شده است؛ هرچند این تحولات و دگرگونی‌ها اغلب منشأیی برونزا دارند و به واسطه رخدادهای برونزی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی پدیدار شده و می‌شوند. امروزه، عرصه‌های روستایی کشور، بیش از هر زمان دیگر، به عنوان عرصه‌ای ناپایدار جلوه‌گر شده‌اند. در پی این فرایند آنچه کم‌تر مورد توجه بوده، این واقعیت است که این گونه تجلیات در تحول کالبدی، که معمولاً به عنوان تحولات فیزیکی-ظاهری مورد توجه قرار می‌گیرند، اگر به درستی شناخته و هدایت نشوند، می‌توانند موجب دگرگونی‌های جوهری و درون ذاتی و نیز تحولات ناخواسته اجتماعی - فرهنگی، محیطی - اکولوژیک و اقتصادی محیط‌های روستایی شوند. روستای پاقلعه نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. با توجه به نقش گردشگری این روستا با گذشت زمان و ایجاد ساخت و سازهای جدید توسط افراد بومی و غیر ساکن، چهره روستا تغییر یافته است. ساخت و سازهای جدیدی که توسط بیگانگان شکل گرفته بدلیل نا آشنا بودن با افراد بومی و نداشتن زمین شخصی در لایه‌های بیرونی روستا و بصورت پراکنده شکل گرفته است. این موضوع باعث شده که برخی جزئیات در الگوهای معماری ابنیه جدید و غیر بومی به کلی دگرگون گردند؛ به عنوان مثال پیش آمدگی چهار طرف بام، غلام‌گرد بودن تراس، کم ارتفاع بودن دیوارهای حیاط‌های مسکونی و نماسازی بسیار ساده در مسکن غیر بومی روستا به چشم نمی‌خورد. مهم‌ترین نکته در ارتباط با الگوهای غالب مسکن در این روستا، تغییر ماهیت آن‌ها بوده که به دلیل تبادلات نسبتاً شدید فرهنگی با سایر مناطق و همچنین عوامل مرتبط با بحث درآمد و مسائل اقتصادی، الگوها حالت التقاطی یافته‌اند. استفاده از پلکان‌های مستقیم و کم‌عرض، انتظام فضاهای پر و خالی و ارتباط آنها با ایوان و تراس، هسته اولیه مسکن بوده (بصورت تک فضا) و گسترش آن بر اساس نیاز، پیش‌آمدگی چهار طرفه بام، شیب اکثر بام‌ها چهار طرفه و کمتر دو طرفه می‌باشد. همچنین نیاز اکثر افراد (متقاضیان) در ساخت بناهای جدید، بصورت دو طبقه می‌باشد که طبقه همکف بصورت انبار و طویله و طبقه بالا مسکونی است. در محدوده بافت با ارزش روستای پاقلعه خانه‌هایی متروکه و مخروبه وجود دارد که قابل بازسازی نیستند و در حال حاضر به سیمای عمومی

بافت روستا آسیب زده است. راه حل مناسب برای ترمیم آسیب ها بازسازی آن بر اساس الگوی مسکن پیشنهادی یا احیاء آن از طریق کاربری عمومی با هدف جذب گردشگر است. تنوع بیش از حد در جنس مصالح، ارتفاع دیوارها و میزان نفوذپذیری بصری به حیاط منازل پیوستگی بافت را کم کرده و از جذابیت آن نیز کاسته است. در حال حاضر مرز بین فضای عمومی معبر و خصوصی منازل از سه طریق ایجاد شده است:

حصار بافته شده چوبی (الگوی بومی منطقه)

دیوار کوتاه سنگ چین با سنگ رودخانه ای (مصالح بوم آورد)

دیوار بلند ساخته شده از بلوک سیمانی یا آجر (خانه های بازسازی شده و ساخت جدید)

در ساخت و سازهای جدید واقع در شیب شمالی معبر، همکف به پارکینگ اختصاص پیدا کرده است درحالیکه در گذشته فضای نگهداری دام و انبار بوده است. این تعریف جدید برای کاربری همکف باید نمایی شایسته با هدف جذب گردشگر داشته باشد و فضای شهری را القاء نکند. ورودی روستا، در جایگاه ایجاد بالندگی و غرور برای اهالی روستا و متناسب با آن در جایگاه میزبان و دعوت کننده ای برای گردشگر، از ارزش بسیاری برخوردار است. تصویر فوق در منتهی الیه ورودی و رو به ارتفاعات جنوب روستاست. در تصویر با مکانیابی عوارضی مواجه می شویم که به نظر می آید از برنامه ریزی بلند مدتی بر اساس حفاظت از چهره اصیل روستا پیروی نکرده است. بنابراین آسیب های جدی را به این بخش از روستا وارد نموده است. این عوارض شامل تیر چراغ برق، دکل مخابرات، کالبد نامناسب ایستگاه حمل و نقل عمومی، دیوای سنگ های رودخانه ای و رها کردن مسیر آب های سطحی می شود. این حوزه از روستا پتانسیل گردآوری اهالی را جهت برگزاری مراسم آیینی و دینی دارد. از طرفی شأن فضای ورودی به مسجد می طلبد که جلو خوان و پله ورودی آن وضعیت شایسته تری داشته باشد. سیم های مخابرات و برق خط آسمان را تحت تأثیر قرار داده است.

پیشنهادهات

با توجه به کلیه مباحث و موارد بیان شده در پژوهش حاضر پیشنهادات ذیل برای ایجاد رابطه ایی معقول بین نیاز های امروز و استفاده از تکنولوژی و پیشرفت از یک طرف و حفظ فرهنگ و سنت روستایی در قالب حفظ الگوی مسکن روستایی از طرف دیگر بیان می شود که این موارد را می توان اینگونه بیان کرد؛

– ایجاد تنوع و نوآوری در طرح های سنتی و بومی.

– اوضاع محیطی و جغرافیایی هر منطقه متضمن حرکت به سوی توسعه پایدار است. بنابراین، در طراحی مسکن روستایی در نظر گرفتن این شرایط ویژه هویت اصلی روستا را حفظ و به سوی پیشرفت رهنمون خواهد شد.

– ایجاد چهارچوب مشخص و معین در امر خانه سازی و تعیین الگوی نقشه های متناسب با فرهنگ روستایی.

– پیش گام شدن سازمان های دولتی در امر طراحی الگوها و ساختن مسکن روستایی به شکل سنتی و بومی در روستاها.

– توجه به مقوله های معیشتی، اقتصادی، اقلیمی و اجتماعی و غیره در الگوهای مسکن روستایی.

– ارائه الگو با استفاده از نظر و تجربیات روستاییان در کنار مشاوره های متخصصان.

– کوشش در حفظ و نگهداری از خانه های قدیمی و سنتی در روستاها و جلوگیری از تخریب این خانه ها، توسط ساکنین روستایی.

روستاها به عنوان سکونتگاه های بخش عمده ای از مردمان کشور، مستلزم خدمات رسانی های ضروری و توجه کافی به امکانات بهداشتی، آموزشی و اقتصادی اند. البته می بایست توجه داشت که خدمت رسانی نباید به معنای مشابه کردن روستا با شهر تلقی گردد. بافت بومی به مثابه سرمایه ای است که طی سالیان به دست آمده است و در نتیجه نباید با ملزوم کردن روستاییان به ساخت و ساز با قوانین شهری، زمینه های تخریب و نابودی آنها را فراهم ساخت

جمع بندی

مسکن روستایی هویت اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و اقلیمی روستا را به نمایش می‌گذارد و مهمترین نیاز در سکونتگاه‌های روستایی به شمار می‌رود. با ورود تکنولوژی به عرصه زندگی روستایی و تغییرات ساختار اجتماعی و اقتصادی، تحولاتی در معماری مسکن روستایی ایجاد شده است و امروزه اکثر خانه‌های روستایی متناسب با شرایط بستر اقلیمی، زیستی و سبک زندگی روستایی نیستند. در این میان خانه‌های باقی مانده از معماری سنتی و اصیل روستایی می‌تواند نمونه مناسب در طراحی مسکن امروزی روستا تلقی شود و به محرکی در مسیر بازآفرینی فرهنگ اصیل سکونتگاه‌های روستایی، در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی تبدیل شود. همان طور که اشاره شد، صاحب نظران عوامل متعددی را در شکل‌گیری مسکن روستایی مؤثر می‌دانند که می‌توان آنها را در قالب عوامل اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی و محیطی-اقلیمی جمع‌بندی نمود. در ادامه این عوامل در نمونه موردی روستای پاقلعه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد عوامل اجتماعی-فرهنگی در مسکن روستای پاقلعه تأثیرگذار بوده و باور فرهنگی مردم و گرایش آنها به ساده زیستی، سبب شده، فرم کلی و نمای خانه‌ها ساده تقریباً شبیه به هم شکل بگیرد. عوامل اقتصادی-معیشتی نیز در مسکن روستای پاقلعه نقش پررنگی دارد. وضعیت اقتصادی و نوع معیشت خانواده در مساحت و تعداد ریز فضاها، توده، حیاط و ورودی تأثیرگذار بوده و حوزه معیشتی بخش مهمی از خانه‌های روستای پاقلعه را به خود اختصاص داده است. همچنین عوامل محیطی-اقلیمی نیز در انتخاب مصالح بوم آورد، جهت‌گیری بنا و میزان بازشوها مؤثر بوده است. به علت اقلیم معتدل و مرطوب روستای پاقلعه، بافت مسکونی عموماً به صورت باز و گسترده شکل می‌گیرد. این امر علاوه بر آن که برای استفاده از باد مفید صورت می‌پذیرد، برای مقابله با رطوبت نیز می‌باشد. وجود رطوبت موجب می‌شود که ضرورتاً فضای بین خانه‌ها زیاد باشد. همچنین وسعت بازشوها در جهت‌هایی که تحت وزش باد سرد زمستانی اند، کاهش یافته است و در بعضی موارد، بازشو کاملاً حذف شده است. جهت‌گیری توده بنا عمدتاً با کمی چرخش، به گونه‌ای است که از نور جنوب غربی یا جنوب شرقی بهره می‌برد. بافت کوهستانی منطقه سبب شده است مصالح بوم آورد، نظیر چوب و سنگ و کاهگل، در ساخت مسکن روستایی استفاده شوند که امروزه در بازسازی بعضی از خانه‌ها، مصالح الحاقی، مانند سیمان و ایزوگام و گالوانیزه نیز دیده می‌شوند. در نهایت با تحلیل نمونه‌های شاخص معماری قدیم روستای پاقلعه، توصیه‌های طراحی، در قالب چارچوبی کالبدی-عملکردی تبیین گردید که با محیط اقلیمی روستا و نظام اجتماعی و اقتصادی روستایان هماهنگ بوده و می‌تواند پایه طراحی مسکن معاصر در روستای پاقلعه باشد. در مجموع این پژوهش، مسکن روستایی را متأثر از چهار زمینه کلی در نظر می‌گیرد. این چهار زمینه شامل شرایط منطقه‌ای، جغرافیایی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی هستند که به ترتیب، شرایط اجتماعی-فرهنگی در کنار فعالیت‌های اقتصادی ساکنان، ویژگی‌های معیشت مسکن روستایی، شرایط منطقه‌ای و جغرافیایی، ویژگی و خصوصیات طبیعی (طبیعت) مسکن روستایی و در نهایت، تعامل این دو بعد کلی معیشت مسکن و طبیعت مسکن، سنت ساختمان مسکن روستایی را شکل می‌دهند. با توجه به تحقیق حاضر، لزوم توجه به شرایط زمینه‌ای در حوزه طراحی و برنامه‌ریزی نظام توسعه کالبدی روستایی بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که پاسخ صحیح به مسأله طراحی مسکن روستایی می‌بایست در قالب سه دسته کلی: حل مسائل عملکردی، حل مسائل طبیعی، و حل مسائل ساختمانی مسکن نمایان شود.

جدول شماره (۸)، جدول تحلیلی-استنباطی؛ عناصر فضایی-کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی، ماخذ: [14].

جدول تحلیلی-استنباطی؛ عناصر فضایی-کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی			
اجتماع و فرهنگ	اقتصاد	جغرافیا	منطقه
معیشت مسکن: مسکن روستایی مأمن امن او و متاثر از هم‌نشینی فعالیت‌های اقتصادی، روابط اجتماعی و معیشت اوست.	سنت ساختمان مسکن: سنت مسکن روستایی در گذر زمان شامل بهره حداکثری از شرایط محیطی-ایجابی، در کنار ملاحظه توضاع معیشتی-امکانی است.	طبیعت مسکن: شرایط جغرافیایی منطقه‌ای در کنار کیفیت‌های دسترسی به دیگر مراکز جمعیتی و کانون‌های زیستی شرایط ناگزیری را در مقابل مسکن روستایی و شرایط محیطی-طبیعی فراهم می‌آورد.	

عناصر فضایی- کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی		
حوزه عملکردی: ۱- جانمایی حوزه عملکردی ۲- ارتباط فضایی ۳- ملاحظات محرمیتی	حوزه ساختمانی: ۱- نسبت توده فضا ۲- نحوه مجاورت پر و خالی ۳- هندسه حیاط. ۴- ابعاد و اندازه فضا.	حوزه طبیعی: ۱- سازمندی اقلیمی: باد، تابش، شیب و... ۲- بهره برداری از طبیعت: مصالح ساختمانی.

منابع و مراجع

- [۱] رزمی، ح ر، حسینی نژاد، ل، غلامی، م، ۱۴۰۱، گونه شناسی مسکن روستایی شهرستان گرگان بر پایه الگوهای بومی ساختاری-کالبدی (نمونه موردی: روستای زیارت)، فصلنامه معماری شناسی پاییز ۱۴۰۱ - شماره ۲۴، صص ۴۷ تا ۶۲.
- [۲] سرتیپی پور، م، ۱۳۸۸، حفاظت و احیای میراث معماری روستایی: ضرورت، راهکارها، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، تهران، صص ۱۳-۲.
- [۳] کوششگران، ع، ۱۳۹۲، مرتبه شناسی معماری دوره سنت، درآمدی بر مرتبه شناسی معماری روستایی بر مبنای تبیین و نقد آرای کریستیان نوربرگ شولتز. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۳، تهران.
- [4] Buzrajmohri, Kh. Erfani, Z. Sadeghlou, T. (2018). "Architecture and design and its role in the quality of rural housing, Islamic and historical architecture and urban planning research conference in Iran". (In persian)
- [۵] حناچی، پ، کوششگران، ع، ۱۳۹۰، حفاظت توسعه در بافت های با ارزش روستایی، ناشر، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- [۶] اکرمی، غ، ۱۳۸۹، رازهای معماری روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، شماره ۱۳۱.
- [۷] فاضل نیا، غ، کیانی، الف، خسروی، م، بندان، م، ۱۳۹۰، بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی- فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان های شن و ماسه، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صص ۳-۱۶.
- [۸] راهب، غ، ۱۳۹۴، واکاوی مفهوم «گونه» در مسکن بومی و تبیین رویکردی برای دسته بندی گونه های مسکن روستایی در ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰، تهران.
- [9] Azmi, A. Rahmani, H. Salehi, S. (2018). "Investigating the causes and effective factors in improving the quality of rural housing (case study: Oraman section of Sarvabad city)", Journal of Rural Research and Planning, year 8, number 4. (In persian).
- [۱۰] رزمی، ح ر، مرادی، ص، میرزاعی، م، ۱۳۹۶، واکاوی گونه ها و ساختارهای معماری خانه های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان علی آباد کتول)، فصلنامه پژوهش های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، شماره هفتم، صص ۳۷-۵۱، تابستان ۱۳۹۶، ۱۳۹۶.
- [۱۱] شفایی، م، مدنی، ر، ۱۳۹۰، تبیین روش تحقیق زمینه یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی. نشریه آرمانشهر، ۴(۷)، صص ۱۷-۳۰.
- [۱۲] حاجی ابراهیم زرگر، الف، ۱۳۸۸، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- [۱۳] میررباحی، س، مجیدی، ر، ۱۳۹۰، شناخت فرایند شکل گیری کالبد روستای سنگان (شهرستان تهران)، فصلنامه علمی تخصصی-مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- [۱۴] رزمی، ح ر، غلامی، م، حسینی نژاد، ل، ۱۴۰۳، جستاری بر شناخت ویژگی های ساختاری معماری مسکن روستایی شهرستان گرگان (مطالعه موردی: روستای شاهکوه سفلی)، فصلنامه پژوهش های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال پنجم، شماره چهل و ششم، بهار ۱۴۰۳، صص ۱۱۲-۸۱.
- [۱۵] راهب، غ، ۱۳۹۳، گونه شناسی پهنه های شکل گیری مسکن در سکونتگاه های روستایی ایران در تعامل با عوامل محیطی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی ۱۹ (۴)، صص ۱۰۰-۸۷.
- [۱۶] مرتضوی، م ح، ۱۳۸۵، نکات مهم در طراحی بافت و واحد ها، صفه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- [۱۷] فاتح، م، داریوش، ب، ۱۳۸۹، معماری روستایی ۱-۲، انتشارات علم و دانش، تهران، دوم.
- [18] Ahmadi, Sh. (2020). "Investigating factors affecting rural biological settlements, sustainability, development and environment", Vol 1, No. 1, pp. 29-50. (In persian)
- [19] Anabestani, A A. (2012). "Estimating the impact of rural housing patterns on cultural changes in the lives of villagers (case example: Binalud city)", Geography and Environmental Planning Journal, Volume 26, Number 2, pp. 277-298. (In persian).
- [۲۰] مهندسان مشاور نقش آوگون، ۱۳۹۴، طرح هادی روستای پاقله شهرستان رامیان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان، ۱۳۹۴.